

طرح «صیانت از حقوق عامه در مقابل حیوانات مضر و خطرناک» چیست و چه هدفی را دنبال می‌کند؟

متهم‌سازی شهروندان

نمایندگان مجلس که سومین سال حضورشان در خانه ملت را هم پشت سر گذاشته‌اند، چند طرح جنجالی را در این سال‌ها پیش برده‌اند که همه در یک چیز مشترک است: «صیانت»! یکی از این طرح‌ها «صیانت از حقوق عامه در مقابل حیوانات مضر و خطرناک» است…

صفحه ۶



چهارشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۱ • ۱۲ محرم ۱۴۴۴ • ۱۰ اگوست ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۴۵ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: کاهش عجیب آمار دستفروشان در پایتخت، بررسی ادعای توافق نهایی در برج‌ام؛ از غرب اصرار، از ایران انکار و **یادداشت‌هایی از** محمدجواد لسانی، حسن خلیل خلیلی، اصغر ایزدی جیران

سرمقاله

خروج وفادارها و مددجو شدن دانش آموزان مدارس عادی



رضا امیدی

آلبرت هیرشمن، اندیشمند آلمانی، کتابی دارد با عنوان «خروج، اعتراض و وفاداری» که به فارسی هم منتشر شده است. به زبان ساده و اختصار، به نظر هیرشمن افراد در مواجهه با افت کیفیت خدمات بنگاه، سازمان یا هر نهادی یا از آن «خروج» می‌کنند و نهاد دیگری را جایگزین می‌کنند یا نسبت به افت کیفیت «اعتراض» می‌کنند و ارتقای کیفیت خدمات را مطالبه می‌کنند یا با وجود این افت کیفیت و چه‌بسا ناراضیاتی از خدمات، همچنان به بنگاه یا سازمان «وفادار» می‌مانند. این بحث را می‌توان در ماتریسی از تلاقی سطوح خرد و میانی و کلان هم پیش برد. برای مثال، در آموزش می‌توان در یک روند تاریخی نشان داد که چگونه وفاداران به یک نظام (در سطح کلان) با احساس ناراضیاتی از عملکرد نهاد مدرسه (سطح خرد)، بدون اینکه به این سطح خرد وفادار بمانند یا به آن اعتراضی کنند، مدارس ویژه خود را تأسیس می‌کنند و خروج می‌کنند. می‌توان این خط خروج وفاداران را در قلمروهای دیگری نظیر سلامت، زیست روزمره و… هم نشان داد.

در ایران پس از کودتای ۱۳۳۲، جریان منتسب به انجمن حجتیه که یک جریان مذهبی محافظه‌کار بود، اولین گام‌ها برای تأسیس مدارس خصوصی مذهبی (علوی و نیکان و اقمار آنها) را برداشت. مؤسس این مدارس اساساً قائل به این بود که آموزش ویژه «بچه‌های خانواده‌های خوب و اصیل است و باید به داد دانش آموزان بااستعداد خانواده‌های شریف رسید تا در مدارس ناجور نابود نشوند» و تأکید داشت که «بچه‌هایی را که پدر و مادرشان در نتیجه فقر آلوده هستند، نمی‌توان تربیت کرد». درواقع مدارس خصوصی مذهبی از آن دوره با رویکردی نخبه‌گرا و گزینشی شکل گرفتند. این رویکرد در نحوه ثبت‌نام دانش‌آموزان هم نمود داشته، به این صورت که با شناسایی خانواده‌های سرشناس مذهبی و بازاری از آنها می‌خواستند که فرزندان خود را در این مدارس خاص مذهبی ثبت‌نام کنند. بسیاری از کسانی که پس از انقلاب در سطوح مختلف مدیریتی نظام وارد شدند، تحصیل‌کرده‌های این مدارس بودند. هرچند تأسیس و گسترش مدارس خصوصی در سال‌های پیش از انقلاب محدود به این جریان نماند و سایر جریان‌های مذهبی و غیرمذهبی نیز به تأسیس مدارس خصوصی روی آوردند و از اواسط دهه ۱۳۴۰ وجه طبقاتی آن نیز برجسته شد این موضوع به‌ویژه در سندی با عنوان «انگداری امور فرهنگی به مردم» در سال ۱۳۴۵ تصریح شده است؛ اما این جریان را می‌توان پیشگام تأسیس مدارس خصوصی در سال‌های بعد از کودتا دانست. این جریان با همین رویکرد از سال‌های اولیه پس از انقلاب نیز بیکر بازتأسیس مدارس خصوصی اسلامی شد که هرچند در ابتدا با واکنش مسئولان وزارت آموزش و پرورش مواجه شد؛ اما درنهایت از سال ۱۳۵۹ موفق به بازگشایی مدارس خصوصی شد. از سال ۱۳۶۷ و با تصویب قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی مسیر خروج برای طبقات بالا و متوسط هم باز شد. در آن مقطع مدارس غیرانتفاعی به‌عنوان راهکاری معرفی شد

برای طبقاتی که مایل‌اند برای فرزندان‌شان خدمات آموزشی بیشتر و باکیفیت‌تری تأمین کنند و درعین‌حال این مدارس بدیل مناسبی برای کلاس‌های خصوصی خانگی بود که دولت کنترل و نظارتی بر آنها نداشت. در این چارچوب، مجوز تأسیس مدارس غیرانتفاعی به امتیازی تبدیل شد برای گروه‌های دین‌فروذ سیاسی و مدیران عالی وزارت آموزش و پرورش. از اواخر دهه ۱۳۷۰ و اوایل دهه ۱۳۸۰ تأسیس این نوع مدارس همچنان با پشتیباری مدارس خصوصی مذهبی شدت گرفت و اکثر فرزندان خانواده‌های مذهبی و طبقه مدیران و عموماً متمول مسیر تحصیل را در این مدارس در پیش گرفتند. برانکدنگی جغرافیایی این مدارس در شهر تهران به‌خوبی این وضعیت را بازنمایی می‌کند. به اختصار اینکه، وفاداران نظام با ناخرسندی از مدارس دولتی، بدون اعتراض، از آنها خروج کردند و صف خود را از عموم جدا کردند و البته باید توجه داشت که این تمایزیابی در قالب مدارس، انواعی از کارکردهای آشکار و پنهان در راستای درون‌طبقی‌ماندن این گروه اجتماعی را داشته است.

چه قبل و چه بعد از انقلاب، به‌تدریج گسترش مدارس خصوصی و افزایش دسترسی طبقات بالا و متوسط بالا به یک هدف تبدیل شد و محدود به جریان‌های مذهبی نماند. رویکرد محافظه‌کارانه به تأسیس مدارس خصوصی به‌تدریج به برنامه‌های توسعه پس از انقلاب نیز راه یافت. در این زمینه برنامه‌ریزان به‌ویژه در برنامه سوم بدعتی را بنا نهنداد و اعتبارات آموزش و سلامت را به‌منابه یارانه اجتماعی دیدند که باید همدفند به سمت طبقات پایین باشد و به‌تدریج این استدلال را پیش کشیدند که «دارا»های باید هزینه آموزش فرزندان‌شان را خودشان تأمین کنند و در یک روند حدوداً دو دهه‌ای به‌تدریج دسترسی به مدرسه دولتی در مناطق اصطلاحاً بالا‌شهر کلان شهرها بسیار محدود شد تا جایی که امروزه در برخی مناطق تهران بیش از ۸۰ درصد مدارس خصوصی هستند.

ادامه در صفحه ۴



چهارشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۱ • ۱۲ محرم ۱۴۴۴ • ۱۰ اگوست ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۴۵ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: کاهش عجیب آمار دستفروشان در پایتخت، بررسی ادعای توافق نهایی در برج‌ام؛ از غرب اصرار، از ایران انکار و **یادداشت‌هایی از** محمدجواد لسانی، حسن خلیل خلیلی، اصغر ایزدی جیران

«شرق» از نوسانات اخیر سرعت اینترنت و نامشخص بودن دلایل آن گزارش می‌دهد

چالش‌های عادی نت

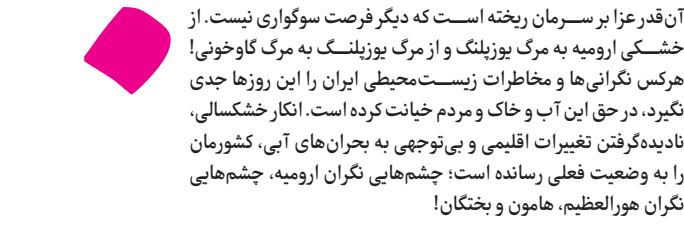
گزارش تیتریک را در صفحه ۲ بخوانید



● عکس: مهدی لطفی، فارس

درست مثل زیور که خانه‌ای در حاشیه کاوخونی دارد. حالا اما خانه زیور پر شده از غبار و خاکستر. این توفان، چند ماه است که پایانی ندارد. صدای شیرین خنده بچه‌ها در حیاط خانه زیور، یک آن بند نمی‌آید، اما کام زیور تلخ است. روسری آبی‌اش را پایین‌تر می‌کشد و با خجالت می‌گوید: «روزگاری اینجا شهری بود از خشت و آینه، حالا بیابان شده. قوتمان شده غم». بریده‌بریده حرف می‌زند. دست‌های تاول‌زده‌اش رو به کبودی رفته؛ خاراها بی‌رحماند و زمین سنگدل. یکی از اتاق‌ها پر شده از خارهایی که قرار است در نبود آب و سبزی، خوراک شود برای گوسفندهایش که یکی درمیان زنده مانده‌اند. آسمان آبی در افق، رو به تیرگی نهاده و مه‌آلود از خاک، به رنگ آجری درآمده است. خیلی وقت است خون زاینده‌رود در رگ خاک کاوخونی نجوشیده. تیرگی خاکستری‌رنگی زمین‌ها را پوشانده است. نه آبی هست و نه نانی؛ انکار آبادی، بقچه‌اش را بسته و رفته است.

این گزارش را در صفحه ۱۰ بخوانید



اینجا اما می‌خواهیم خشکی در دل گاوخونی را روایت کنیم؛ جایی که حتی سیلاب‌های بی‌امان تابستانی هم نتوانست نجاتش دهد و زندگی مردم را در خشکسالی و گردوغبار فرو برده است.

یادداشت

ضرورت اصلاح ساختار دفاتر پیشخوان خدمات دولت

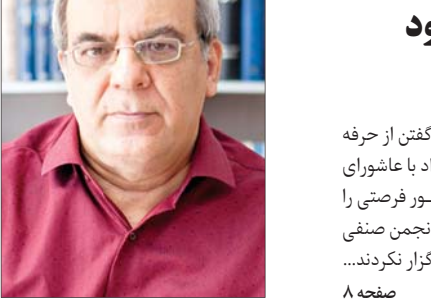


حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

در طول چند سال گذشته دولت‌ها سعی کرده‌اند خدماتی که در محل سازمان‌های اداری و به صورت سنتی و مراجعه حضوری به شهروندان ارائه می‌شد، از یک طرف به جهت طولانی‌شدن مراحل کار، وقت زیادی که از مراجعه‌کنندگان گرفته می‌شد، مسئله نوبت‌گرفتن و… و از طرفی گسترش خدمات الکترونیکی و سامانه‌های مجازی ارائه خدمات را به دفاتر پیشخوان دولت واگذار کنند. هدف این بوده است که خدمات در چنین دفاتری در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با سرعت بیشتر و مراجعه حضوری کمتر انجام شود مگر خدماتی که حضور شهروندان لازم و ضروری است. اما به نظر نمی‌رسد این اهداف در دفاتر پیشخوان دولت محقق شده باشد. در این میان، دفاتر پیشخوان دولت (منظور دفاتر پیشخوان پلیس و قوه قضائیه نیست چون در آنجا ارائه خدمات به نسبت بهتر انجام می‌شود) عملکرد ضعیفی دارند که به چند نمونه آن اشاره می‌کنم. داستان دنباله‌دار کبی: هزینه زمانی و مالی زیادی هم از طرف شهروندان و هم از طرف دولت برای صدور کارت ملی صرف شده است تا بر اساس آن ارائه خدمات به شهروندان بر اساس اطلاعات آن صورت گیرد و دیگر نیازی به کبی از مدارک هویتی شهروندان مانند شناسنامه نباشد. سازمان‌های اداری موظف هستند با تهیه و نصب دستگاه بارکدخوان کارت ملی، تمام اطلاعات لازم هویتی شهروندان را به دست آورند و تمامی سیستم‌های الکترونیکی خود

تحلیل عباس عبدی از گزارش روزنامه «شرق»



چهارشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۱ • ۱۲ محرم ۱۴۴۴ • ۱۰ اگوست ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۴۵ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: کاهش عجیب آمار دستفروشان در پایتخت، بررسی ادعای توافق نهایی در برج‌ام؛ از غرب اصرار، از ایران انکار و **یادداشت‌هایی از** محمدجواد لسانی، حسن خلیل خلیلی، اصغر ایزدی جیران

«شرق» جهش هزینه تولید مواد غذایی و سقوط قدرت خرید مردم را بررسی کرد

افت تولید کنسروسازی‌ها

شکایت مدیر شکست‌خورده ایرانی از ترامپ در دادگستری تهران!

شکایت مدیر شکست‌خورده ایرانی از ترامپ در دادگستری تهران!

حربه‌های تاج تمامی ندارد

شکایت مدیر شکست‌خورده ایرانی از ترامپ در دادگستری تهران!

شکایت مدیر شکست‌خورده ایرانی از ترامپ در دادگستری تهران!

یورش پلیس فدرال به اقامتگاه رئیس‌جمهور سابق آمریکا خبرساز شد

ترامپ زیر ذره‌بین

شکایت مدیر شکست‌خورده ایرانی از ترامپ در دادگستری تهران!

شکایت مدیر شکست‌خورده ایرانی از ترامپ در دادگستری تهران!

شکایت مدیر شکست‌خورده ایرانی از ترامپ در دادگستری تهران!

شکایت مدیر شکست‌خورده ایرانی از ترامپ در دادگستری تهران!

شکایت مدیر شکست‌خورده ایرانی از ترامپ در دادگستری تهران!

شکایت مدیر شکست‌خورده ایرانی از ترامپ در دادگستری تهران!



حسین نوری نیا

در گذشته نه‌چندان دور که حتی بسیاری از باشندگان کنونی نیز آن را درک کرده‌اند، ما دو دوره را در زندگی خود تجربه می‌کردیم: کودکی، بزرگسالی. جامعه غیر از این دو، گروه سنی دیگری را به رسمیت نمی‌شناخت. هر فرد با کودک بود، یا بزرگسال. برای همین، ازدواج در پایان کودکی معنا داشت و بسیاری از افراد بزرگسال و کهنسال کنونی، در سنین بسیار پایین که هنوز به لحاظ جسمی و روانی از کودکی کنده نشده بودند، ازدواج می‌کردند؛ موضوعی که اکنون با عنوان «کودک‌همسری» شناخته می‌شود و متأسفانه هنوز در برخی خانواده‌ها ادامه دارد. من در میان خویشاوندانم، تجربه این موضوع را دارم و حتی یکی برایم تعریف می‌کرد که وقتی به خواستگاری‌ام آمدند، من در اتفاقی دیگر با عروسکم بازی می‌کردم. به هر صورت، جامعه ایران در چندین دهه اخیر، تغییرات سریعی را تجربه کرده است و بیش از هرکس دیگری، سیاست‌گذاران و مدیران باید این تغییرات را درک کنند.

یکی از تغییرات اساسی در جامعه ایران، تقسیم دوره‌های زندگی به کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی، بزرگسالی و کهنسالی است. این تقسیم‌بندی از سوی جامعه به رسمیت شناخته شده است و جامعه نسبت به آن توجه دارد؛ هرچند به دلایل گوناگون، هنوز شناخت دقیق و عمیقی در اقسام گوناگون نسبت به آن مشاهده نمی‌شود و همین نیز مبنای بسیاری از مشکلات در بین خانواده‌ها یا فرزندان نوجوان و جوان‌شان و حتی در رفتار با کهنسالان می‌شود ولی متأسفانه مشاهده و تجربه زیسته جامعه کنونی ما نشان می‌دهد که مدیران و سیاست‌گذاران نیز با این تغییرات همراه نیستند و همچنان مانند گذشتگان می‌خواهند بر نوجوانان نیز لباس بزرگسالان بپوشانند و آنان را تنها در قالب‌های رزینی خودشان فهم کنند.

از آنجا که مدیران و برنامه‌ریزان ما چون کارهای بسیار زیادی دارند و خیلی کم فرصت خواندن کتاب و مقاله دارند، حالا که امکان برگزاری نشست‌های جمعی مجازی فراهم است، از متخصصان حوزه کودک و نوجوان دعوت شود و حداقل در یک جلسه برای آنان ویژگی‌های دوران نوجوانی شرح داده شود تا آنان اندکی با اتکا به یافته‌های علمی با نوجوانان مواجه شوند. مخصوصاً نیروی انتظامی حتماً این پیشنهاد را جدی بگیرد. حدود یک دهه پیش که با نیروی انتظامی همکاری پژوهشی داشتیم، بودند افرادی چون جناب سرهنگ بیات و جناب سرهنگ شرافتی و دیگر اعضای دفتر مطالعات اجتماعی که اهل مطالعه و پژوهش بودند و در نشست‌هایی که با آنان داشتم، مسائل اجتماعی را به خوبی می‌دانستند و ابعاد آن را می‌شکافتند. خوب است نیروی انتظامی حداقل از نیروهای داخلی خود که از ظرفیت علمی مناسبی برای تحلیل مسائل اجتماعی برخوردار هستند، بهره‌مند شود تا در مواجهه با اقسام گوناگون اجتماعی، روش مناسبی را در پیش گیرد. این شیوای که اکنون در پیش گرفته، نشان می‌دهد حتی ظرفیت‌های کارشناسی اجتماعی نیروی انتظامی هم خاموش است. **ادامه در صفحه ۵**